

شکلِ دیزاین

فرانک کیمر
ترجمهٔ راضیه خشنود



ketabTala

شکل دیزاین

فرانک کیمره

ترجمه راضیه خشنود

ویرایشی امیر مولایی

تصویرسازی فرانک کیمره

لینوگرافی، چاپ و صحافی واژه پرداز اندیشه

چاپ دوم ۱۴۰۰

نشرمشکی . تهران

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

  @meshkipublication

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تکثیر یا تولید همه یا بخشی از کتاب به هرصورت

(انتشار الکترونیکی، چاپ، فتوکپی، تصویر، صوت)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

سرشناسه: شیمرو، فرانک

Chimero, Frank

عنوان و نام پدیدآور: شکل دیزاین / فرانک کیمره / ترجمه راضیه خشنود

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۵۸ص، مقوّم رنگی.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۹-۳۸-۲

واضعیت فهرست نویسی: لریا

پانداخت: عنوان اصلی: *The shape of design, 2012*

موضوع طراحی

موضوع Design

شناسه افزوده: خشنود، راضیه، ۱۳۵۶- مترجم

رده بندی کنگره: ۳۷۷.۵۱

رده بندی دیویی: ۷۴۵.۲۴

شماره کتابشناسی ملی: 0۷۶۹۰۸۶

۱۱ | پیش‌گفتار

۱۵ | مقدمه

۱ | آواز

۲۱ | فصل یک: چطور و چرا

۳۱ | فصل دو: پیشه و زیبایی

۳۹ | فصل سه: بنده و محدودیت‌ها

۴۹ | فصل چهار: فرم و شعبده

۲ | فضاهای میانی

۶۳ | فصل پنج: تخیل و پل‌ها

۷۱ | فصل شش: زمینه و واکنش

۳ | افتتاحیه

۸۱ | فصل هفت: داستان‌ها و خلاها

۹۱ | فصل هشت: چارچوب و آداب

۱۰۱ | فصل نه: لذت و میزبانی

۱۰۹ | فصل ده: هدایا و هدیه دادن

۱۲۳ | یادداشت‌های مترجم

۱۲۵ | نام‌نامه

پیش‌گفتار

لیز دانزیکو

آشنایی من و فرانک کیمر و از دلبستگی مشترک به موسیقی جز شروع شد. ولی نه فقط با ردوبدل کردن آهنگ. ما فرم جز را سرمشق قرار دادیم. او در وبلاگش چیزی می‌نوشت و من پاسخ می‌دادم. من یکی از ایده‌های خام او را بداهه‌پردازی می‌کردم و او یکی از نوشته‌های وبلاگ مرا تکرار می‌کرد. شبیه روش صدا زدن و پاسخ دادن، تا شکل گرفتن رابطه‌ی دوستی.

به موازات هم می‌نوشتیم بی‌آنکه هم‌دیگر را دیده یا رودررو با هم حرف زده باشیم. مانند خیلی از روابط انسانی؛ ما هرگز کسانی را که دورادور ستایش می‌کنیم از نزدیک نمی‌بینیم. داستان‌های شان را می‌خوانیم، ویدیوهای شان را می‌بینیم و آثارشان را بررسی می‌کنیم. فواصل میانی را خودمان می‌سازیم. ما بداهه‌سازی می‌کنیم. داستان‌های فرانک می‌شوند داستان‌های من، داستان‌های ما. این کتاب از یک لحاظ ساختن چیزها با داستان‌هاست و استفاده از آنها برای بهتر زیستن. یک روز، ایمیلی از فرانک دریافت کردم که در آن خودش را معرفی کرده بود:

می‌دانی من عاشق کدام جنبه‌ی جز و بداهه‌نوازی هستم؟ کل این موسیقی فرایند است، از صفر تا صد. ذاتش فرایند است، هیچ دو اجرایی عین هم نیستند و برای بهره بردن واقعی از آن باید اجرای زنده را ببینی تا شاهد

پیشرفتش باشی. همه باشگاه‌های جز یا کمدهای بداهه، معبدی برای فرایند تولیداند. کارخانه‌ای که هنرش مونتاژ است نه تولید. جز بیشتر فعل است تا اسم. من در دنیایی مملو از حس سکون می‌خواهم برای نجات خودم فعلی پیدا کنم و با تمام توان به آن بچسبم.

من و فرانک کم‌کم در مکالمه‌های مان میان سیستم‌های همجوار در دنیا و فرایند دیزاین خودمان تمایز ایجاد کردیم. جز، ابزار، هنر، پیتزا، هر اسمی که بگویی. فرانک کمک می‌کند که شکل ناپایدارش را به چیزی فعال‌تر بدل کنی - به یک فعل! رمزگشایی و دیزاین این سیستم‌ها کار دشواری است. اگر خوب انجام شود، به چیزی می‌رسی که فرانک در این کتاب آن را «راه سخت و طولانی و احمقانه» می‌نامد؛ فاصله میان کارآیی و تلاشی مضاعف که وامی دارد چیزها را با افتخار و عشق بسازیم. فرایندهای ما متنوع هستند، ولی فرانک برای مسلح کردن خود با سپر پولادین سماجت، ابزار مناسب را در اختیار ما قرار می‌دهد.

از این منظر، این کتاب شبیه ابزاری است که همه آن را دیده‌ایم: سیستم بزرگراه‌های بین ایالتی آمریکا. امروزه به نظر ما بدیهی می‌آید، ولی این سیستم شماره‌گذاری روزی باید دیزاین می‌شد. وقتی تیرک‌های تلفن در امتداد جاده‌های خاکی نصب شدند، از ادوین دبلیو. جیمز کارمند اداره حمل‌ونقل عمومی و گروهش خواستند تا سیستمی قابل گسترش‌تر دیزاین کنند، چون جاده‌ها در دهه ۱۹۲۰ در حال گسترش بودند. جیمز و گروهش چیزی را دیزاین کردند که امروزه آن را با نام سیستم شماره‌گذاری بین ایالتی می‌شناسیم. قبل از آن مردم برای تعیین مسیر به نشانه‌های رنگی اعتماد می‌کردند؛ نوارهای رنگی روی تیرهای مخابرات در حاشیه بزرگراه‌ها، که هر رنگ نشانه یک جاده خاکی بود. با گسترش جاده‌های خاکی، تعداد نوارهای رنگی زیاد شد و تیرها گاهی از پایین تا ارتفاع پنج متری رنگ می‌شدند و تلاش برای تشخیص رنگ‌ها خطرآفرین شد.

چیز این سیستم را تغییر داد. به این نتیجه رسید که رانندگان باید بتوانند هر وقت به یک تقاطع می‌رسند، درجا بفهمند کجا هستند. بزرگراه‌های شمال / جنوب با اعداد فرد و شرق / غرب با اعداد زوج شماره‌گذاری شدند و اعداد هر چه به سمت شرق و شمال بزرگتر می‌شدند. این سیستم برای گسترش یافتن دیزاین شد. با پیش‌بینی مشارکت سایر مردم و شهرهای دیگر در آینده و در شرایط پیش‌بینی نشده. این یک ابزار است. یک پلتفرم که البته بعد از حدود ۱۰۰ سال هنوز کامل نشده است.

اگر می‌خواهید از این کتاب به عنوان ابزار استفاده کنید، هر وقت دلتان خواست آن را ببندید و بگذارید کنار. از جاده خارج شوید. خودتان راه برگشت را پیدا می‌کنید. چون تقاطع‌ها شما را هدایت می‌کنند. بعد برگردید. به هر حال هدف هر جاده یا سیستمی همین است: رساندن شما به مقصدی مشخص در زمانی مشخص. یا کتاب را یک پلتفرم در نظر بگیرید، یا یک پارتیتور موسیقی: به یک بخش پاسخ دهید، یا به یک فصل. دعوت فرانک را فرصتی برای پاسخ دادن در نظر بگیرید. هر جمله را مجالی بدانید برای خلق. اصلاً این جمله‌ها برای همین نوشته شده‌اند. با افتخار می‌گویم که بعد از ایمیل اول، ایمیل‌های زیادی از فرانک به دستم رسید. مثلاً این یکی:

دهن یک پلتفرم دو نکته به من می‌گوید: اول اینکه مشارکت دیگران مهم است. دوم اینکه جهان هنوز کامل نشده است. اگر بخواهم فقط به یک چیز ایمان داشته باشم، همین است.

بداهه‌سازی کنید.



شکل دیرزین تلاش می‌کند فرصت‌های کشف قلمرو دیرزین را بررسی کند و از دغدغه‌های روزمره دیرزین آگاهانه فاصله بگیرد تا الگوها را پیدا کند و عمل دیرزین را به‌عنوان یک کل منسجم ارزیابی کند. از این فاصله می‌توان دو ویژگی بنیادی دیرزین را که به‌سادگی نادیده گرفته می‌شوند، مشاهده کرد. اول اینکه دیرزین، تجسم آینده و حرکت هوشمندانه و زیرکانه به سوی آن

است. دیرزین راهی است برای برداشتن فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب. دوم اینکه دیرزین عمل ساختن چیزی برای دیگران است. ما در این جاده همگی با هم هستیم. این دو ویژگی رابطه ما با جهان و پیوندمان با یکدیگر را ضروری می‌سازند. این دو میانی دیرزین هستند. پس کار ما باید حول این دو حقیقت بچرخد.

... از متن کتاب

9789644204863 >>>

